

# آئین انقلاب اسلامی

مسابقه





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام خمینی (س)، اندیشمندی زمان شناس و روشن بین در اندیشه و عمل بود که منادی اسلام زنده و مشاخصی سگفت انگیز شد. او که در همه لحظه های تلخ و شیرین انقلاب در کنار مردم حضور داشت، با آزاد کردن نیروهای معجزه گرد درونی جامعه، سکستی ساز دوران شد و عنان سرنوشت ملتی بزرگ راه دست خود او سرد تا شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" تحقق یابد. اینک بر آنیم تا با آشناسدن نسل امروز و فردا با این اندیشه، آرمانهای انقلاب را ترسیم نماییم.

بدین منظور واحد مسابقات معاونت فرهنگی و هنری موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با همکاری پرتال امام خمینی (ره) در نظر دارد از تاریخ ۹۶ / ۳ / ۲۵ لغایت ۹۶ / ۴ / ۰۵ مسابقه ای تحت عنوان «آیین انقلاب اسلامی» برگزار نماید. شرکت در این مسابقه برای عموم آزاد است.

## دین مبین اسلام

### دین افیون است یا محرک؟

«اصل دین، افیون است!» دین را اینها اینطور تبلیغات کردند. و مع الاسف در خود ایران و در جوانهای ما هم تأثیر گذاشت و گذاشته و در بعضی از این روشنفکرهای ما هم باز اثرش هست. اینها از همان تفاله هایند. حالا که حالا باز اثرش هم هست: دین افیون است! افیون جامعه است! معنایش این است که دین آمده است که مردم را - یعنی دین را درست کردند همین قدرتمندها درست کردند، برای اینکه مردم را خواب کنند و آنها بچاپند! همان طوری که افیونی وقتی افیون کشید چرت می زند و دیگر توجه به چیزی ندارد، دین را هم اینها تبلیغ کردند که یک همچو چیزی است که قدرتمندها درست کردند که مردم توجه به دین نکنند [تا] مثل آدمی که افیون می کشد خواب بروند، و آنها بیابند غارت کنند و از بین ببرند. راجع به دین اینطور گفتند. کشاندنش [به] اسلام که قدرتمندتر دین می بود همین حرفها را کشاندنش به اسلام: اسلام برای هزار و چهارصد سال پیش خوب است. این را بعضی از اشخاصی که از تفاله های آنها ماندند حالا هم باز این را می گویند. «نمی شود همه احکام اسلام الآن تحقق پیدا بکند. این مال سابق است، مال حالا نیست.» و از این حرفهایی که همینها گاهی می زنند، و گاهی هم نفهمیده، اکثراً هم شاید از روی نفهمی می زنند؛ نه اینکه عداوت دارند؛ از روی نفهمی که اسلام را اصلاً نمی دانند چیست، تا اینکه اسلام مال چه وقت است. اینها اصلاً اطلاع ندارند که اسلام چیست. در صورتی که هرکس تاریخ را دیده باشد، و لااقل تاریخ اسلام را دیده باشد که نزدیک است، تاریخ را دیده باشد که چه اشخاصی در قبال چه اشخاصی بوده اند، این انبیاء که اینها می گویند که درست کرده اند انبیاء را برای اینکه دین درست بشود، برای اینکه قدرتمندها را حفظ کنند، هر که تاریخ انبیاء را ملاحظه کند که این انبیاء از چه طبقه ای بوده اند و اینها با کی مخالفت داشتند، می بیند که انبیاء از این طبقه مستضعفین بوده اند. از همین طبقه سوم مردم بوده اند؛ و مردم را وادار کردند که جنگ کنند با آن مستکبرین. .... (صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۴۵۵ - ۴۵۶)

### انگیزه بعثت، تزکیه نفوس

اول آیه ای که به رسول اکرم، به حسب روایات و تواریخ، وارد شده است، آیه اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ است. این آیه اولین آیه ای است که، به حسب نقل جبرئیل بر رسول اکرم خوانده است و از اول به «قرئت» و به تعلم دعوت شده است. اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ وَ دَرِ هَمِينَ سوره است که كَلَّمَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِغِي ، اَنْ رَاَهُ اسْتَعْنَى . این سوره اولین مورد وحی [است] و در اولین نزول وحی این آیه در این سوره وارد شده است که كَلَّمَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِغِي ، اَنْ رَاَهُ اسْتَعْنَى . معلوم می شود که طغیان و طاغوت بودن از اموری است که در رأس امور است و برای طاغوت زدایی باید تعلیم «کتاب» و «حکمت» و تَعَلَّمَ «کتاب» و «حکمت» کرد و «تزکیه» کرد.... انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیانها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را، نفوس خودمان را مصفا کنیم و نفوس خودمان را از این ظلمات نجات بدهیم. اگر این توفیق برای همگان حاصل شد، دنیا یک نوری می شود نظیر نور قرآن و جلوه نور حق. تمام اختلافاتی که بین بشر هست، اختلافاتی که بین سلاطین هست، اختلافاتی که بین قدرتمندان هست، ریشه اش همان طغیانی است که در

نفس هست. (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۳۸۹ - ۳۹۰)

«براستی انسان سرکش می کند چون که خود را بی نیاز می بیند.» (علق / ۶ - ۷)

## عظمت قرآن

بدان ای عزیز که عظمت هر کلام و کتابی یا به عظمت متکلم و کاتب آن است، و یا به عظمت مطالب و مقاصد آن است، و یا به عظمت نتایج و ثمرات آن است، و یا به عظمت رسول و واسطه آن است، و یا به عظمت مُرْسَلِ إلیه و حامل آن است، و یا به عظمت حافظ و نگاهبان آن است، و یا به عظمت شارح و مبین آن است، و یا به عظمت وقت ارسال و کیفیت آن است. و بعضی از این امور ذاتاً و جوهرأ در عظمت دخیل است، و بعضی عَرَضاً و بالواسطه، و بعضی کاشف از عظمت است. و جمیع این امور که ذکر شد، در این صحیفه نورانیه به وجه اعلی و اوفی موجود بلکه از مختصات آن است، که کتاب دیگری را در آن یا اصلاً شرکت نیست و یا به جمیع مراتب نیست.

و اما حافظ و نگاهبان آن، ذات مقدس حق جل جلاله است؛ چنانچه فرماید در کریمه مبارکه: **أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ.** و اما شارح و مبین آن، ذوات مطهره معصومین از رسول خدا تا حجت عصر **عجل الله فرجه**، که مفاتیح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت و وحی و اصول معارف و عوارف و صاحبان مقام جمع و تفصیلند. (آداب الصلاة (آداب نماز)؛ ص ۱۸۲-۱۸۴)

«همانا ما ذکر (قرآن) را فرو فرستادیم و هر آینه ما آن را محفوظ نگاه می داریم. (حجر / ۹)



## توحید

ریشه و اساس اعتقادات ما اصل توحید است

اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده اند که ریشه و اصل همه آن عقاید - که مهمترین و با ارزشترین اعتقادات ماست - اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد؛ و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسانهای دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند.

ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته ها و امیال خود تنظیم نماید. از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است. و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسانهاست. (صحیفه امام، ج ۵، ص: ۳۸۷ - ۳۸۸)

\*\*\*

بنابراین بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می کنند قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرتهای استبدادی و استعماری آغاز می شود. از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می گیریم که همه انسانها در پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسانها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می زند و امتیازات پوچ و بی محتوا را در جامعه حاکم می سازد باید مبارزه کرد. (صحیفه امام، ج ۵، ص: ۳۸۸)

\*\*\*

این تحول روحی و این انقلاب اسلامی تحفه ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ملت ما به هدیه فرستاد و ما باید شکر خدای تبارک و تعالی را بکنیم؛ و از عهده شکر بر نمی آییم. من باید شکر این نعمت را و شکر این رحمت را و شکر این محنتها را که ملت ایران کشیدند، شکر اینها را بکنم؛ و من از عهده بر نمی آیم. آنها بودند که همه کارها را انجام دادند، و خدا بود که اینها را مؤید کرد. (صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۲۳۰)



سوت

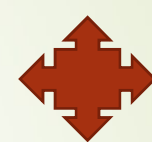
مقصد نهایی معرفت الله است

تمام مقاصد انبیا، برگشتش به یک کلمه است و آن «معرفه الله». تمام، مقدمه این است.

اگر دعوت به عمل صالح شده است، اگر دعوت به تهذیب نفس شده است، اگر دعوت به معارف شده است، تمام برگشتش به این است که آن نقطه اصلی را که در فطرت همه انسانها هست، حجاب را ازش بردارند تا انسان برسد به او، و او معرفت حق است، مقصد عالی همین است. انبیا نمی خواستند که جنگی باشد و نمی خواستند که دعوتی باشد به غیر از این دعوت، دعوت به گرفتن کشور و دعوت به اینها، هیچ وقت در آنها نبوده است. (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۱۶ - ۱۷)

## فروتنی انبیاء

سیره انبیا برای این بوده است که در مقابل طاغوت محکم می ایستادند و در مقابل ضعفا و فقرا و مستضعفین و مستمندان فروتن بودند؛ آن طوری که وقتی عرب وارد می شود در مسجد رسول الله، می گوید: کدام یکتان [رسول خدا] هستید؟ در وقتی که رسول الله آن وقت [در رأس] حکومت بود، آن وقت در مدینه بودند، در مدینه تشکیل حکومت بود بساط، لکن وضعش این طوری بود. از آن طرف، در مقابل هیچ قدرتی خاضع نبود، برای اینکه او خدا را می دید. کسی که توجه دارد به اینکه قدرت هر چه هست مال خدای تبارک و تعالی است و دیگران هیچ نیستند، این دیگر نمی تواند خاضع بشود در مقابل یک قدرتمندی. (صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۴۵)



## امامت و شیخ

تداوم امامت

پیغمبر اکرم که از دنیا می خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشینها را تا زمان غیبت کرد، و همان جانشینها، تعیین امام امت را هم کردند، به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند، برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی - سلام الله علیهم - بودند، آنها بودند و بعد فقها؛ آنهايي که متعهدند، آنهايي که اسلامشناس اند، آنهايي که زهد دارند؛ زاهدند، آنهايي که اعراض از دنیا دارند، آنهايي که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آنهايي که دلسوزند برای ملت، آنهايي که ملت را مثل فرزندهای خودشان می دانند؛ آنها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت. (صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۲۲).

### معنای شیعه بودن

«شیعه» معنایش این است که مشایعت کند؛ همان طوری که تابوت را که می برند، اگر همه از این طرف دنبال تابوت رفتند، تشیيع کردند او را، اگر تابوت را از این طرف می برند یکی از این طرف برود، این را تشیيع نکردند؛ شیعه باید این طوری باشد؛ مشایعت کند علی را. (صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۱۴)

### ظلم ستیزی خصلت ذاتی تشیيع

یکی از خصلتهای ذاتی تشیيع، از آغاز تا کنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می خورد؛ هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطعهای زمانی بوده است. در صد سال [اخیر] حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است: انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و ... قابل اهمیت فراوان است. تأسیس حوزه علمی دینی در بیش از نیم قرن اخیر در شهر قم و تأثیر این حوزه در داخل و خارج کشور ایران و نیز تلاش روشنفکران مذهبی در داخل مراکز دانشگاهی و قیام سال ۴۱- ۴۲ ملت ایران به رهبری علمای اسلامی که تا امروز ادامه دارد، همه عواملی هستند که اسلام شیعی را در سطح جهان مطرح می کند. (صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۴۰۷)

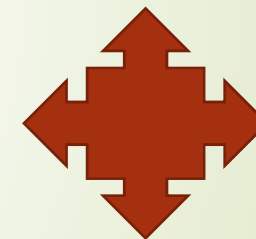
## معاد

این دنیا دنیایی است که عبور از آن باید بکنیم ما؛ دنیایی نیست که در اینجا ما زیست کنیم. این راه است؛ این صراط است که اگر توانستیم مستقیماً این صراط را طی کنیم، همان طوری که اولیای خدا طی کردند- جزنا و هی خامده. اگر توانستیم که از این صراط به طور سلامت عبور بکنیم، سعادت‌مندیم؛ و اگر خدای نخواست در اینجا، در این راه، لغزش داشته باشیم در آنجا هم همین لغزش ظهور پیدا می کند، در آنجا هم موجب لغزشها می شود، موجب گرفتاریها می شود. (صحیفه امام؛ ۳، ص ۲۳۵)  
«ما گذر کردیم و آن [جهنم] خاموش بود.»

### دنیا محل گذر



کسی که یک نفر را بکشد، یک جان را از بین ببرد، جان او هم به اندازه اوست ... او [را] به اندازه یک نفر که کشته شد ما قصاص می توانیم بکنیم. کسی که صدها هزار نفر را به کشتن داده است، کسی که صدها هزار نفر را به زجر در زندانها و در بیغوله ها جای داده است، جز اینکه در یک عالم دیگری که ابدی است برای هر یک از اینها یک حسابی باز می شود. (صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۳۴۲)



### محدودیت مجازات دنیایی

# عوامل و مؤسسات تربیتی و فرهنگی

## عوامل تربیت

حقیقتاً رأس همه خطاها، خطیئتها همین خودخواهیهاست و تا این خودخواهیها در بشر هست، این جنگها و این فسادها و این ظلمها و ستمگریها هست. و انبیا اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند، برای این است که؛ حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزشهای معنوی انسانی، یک همچو حکومتی اگر تحقق پیدا بکند، جامعه را مهار می کند و تا حد زیادی اصلاح می کند. و اگر حکومتها به دست جباران باشد، به دست منحرفان باشد، به دست اشخاصی باشد که ارزشها را در آمال نفسانی خودشان می دانند، ارزشهای انسانی را هم گمان می کنند که همین سلطه جویبها و شهوات است، تا این حکومتها برقرار هستند، بشریت رو به انحطاط است، و اگر آمال انبیا در یک کشوری تحقق پیدا بکند آن - ولو بعض آمال انبیا - آن کشور رو به اصلاح می رود. (صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۶۲-۱۶۳)

## دامن مادر مدرسه است

انبیا آمده اند که انسان درست کنند، انبیا مأمورند که افراد را - افرادی که بشر هستند و از همین با حیوانات فرق ندارند - آمده اند که اینها را انسان کنند؛ تزکیه کنند، مزکی کنند؛ پاکیزه کنند. شغل انبیا همین است و باید شغل مادرها همین باشد نسبت به بچه هایی که در دامنشان هست. بچه ها را از آن اول که در دامنشان هست تزکیه کنند. آنها با اخلاق خوب، با اعمال خوب در آنجا بچه ها بهتر تربیت می شوند. در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استاد. آن علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد. و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود یا می بیند، آن نقش می بندد در قلبش؛ و تا آخر همراهش هست. مادرها باید توجه به این معنا بکنند که این بچه ها را خوب تربیت کنند، مزکی تربیت کنند؛ یک مدرسه علمی - ایمانی باشد دامنهایشان، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها می آید. و از کس دیگر نمی آید. آنقدری که بچه از مادر چیزی می شنود از پدر نمی شنود. آنقدری که اخلاق مادر تأثیر دارد در بچه کوچولوی نارس و به او منتقل می شود از دیگران نمی شود، مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواستہ مادری باشد که بچه را بد تربیت کند، مبدأ شرورند. یک مادر ممکن است که بچه را تربیت کند و خوب تربیت کند، و آن یک بچه یک امت را نجات بدهد و ممکن است که بد تربیت کند و موجب هلاکت یک امت بشود. (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۱۳۶)



## نقش خانواده در تربیت و آموزش

نقش خانواده و خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است؛ و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسانتر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود. امروز باید پدران و مادران مواظب رفتار فرزندان خویش باشند که در صورت مشاهده حرکات غیرعادی آنان را نصیحت نمایند تا گول منافقین و منحرفین را نخورند؛ که در این صورت سعادت دنیوی و اخروی آنان تباہ می گردد. مادران و پدران باید توجه داشته باشند که سنین دانش آموزی و دانشگاهی سالهای شور و هیجان فرزندانشان می باشد و با اندک شعاری جذب گروهها و منحرفین می شوند. (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۲۴۵-۲۴۶).



## معلمی شغل انبیاست



نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. انبیا هم معلم بشر هستند. نقش بسیار حساس و مهمی است؛ و مسئولیت بسیار زیاد دارد. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که إخراج من الظلمات إلی النور آنهایی که الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلی النور همین سمت معلمی است. خدای تبارک و تعالی این سمت را به خودش نسبت می دهد که خدای تبارک و تعالی ولی مؤمنین است؛ و آنها را از ظلمات إخراج می کند به سوی نور. و معلم اول خدای تبارک و تعالی است که إخراج می کند مردم را از ظلمات به وسیله انبیا و به وسیله وحی مردم را دعوت می کند به نورانیت؛ دعوت می کند به کمال؛ دعوت می کند به عشق، دعوت می کند به محبت؛ دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می دهند، و آنها هم شغلشان تعلیم است؛ معلمند، معلم بشرند. آنها هم شغلشان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۲۹۱)

# اوضاع ایران پیش از انقلاب اسلامی

## اساس نهضت

اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت: یکی، از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگریهای خارجی و داخلی و اختناقهای فوق العاده؛ که در ظرف پنجاه و چند سال ایران و ملت ایران یک روز خوش ندید؛ و اخیراً هم کشتارهای فوق العاده دسته جمعی، که در اکثر بلاد ایران پیش آمد، مردم را به جان آورد که این نهضت را همراهی کنند. و یکی دیگر، آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل، که یک رژیم در مقابل رژیمهای طاغوتی باشد، و ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم. (صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۸۵)

## حمایت شاه از رژیم اسرائیل

یکی از علل قیام مردم مسلمان ایران علیه شاه، حمایت بی دریغ او از اسرائیل غاصب است. و شاه، نفت اسرائیل را تأمین می کند. ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و حمایتهای معنوی دیگر. و برای فریب افکار جهانی صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می پردازد. ملت مسلمان ایران و هیچ مسلمانی و اصولاً هیچ آزاده ای، اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد و ما همواره حامی برادران فلسطینی و عرب خود خواهیم بود. (صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۱۴۰)

## تخریب قوه فکر

اینها می خواستند که هر قوه ای که احتمال بدهند که در مقابل اجانب بایستد و اربابها بایستد و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست، اگر بتوانند فکر را از او بگیرند. فکر را چه طور بگیرند؟ به اعتیاد به مشروبات، به اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می گیرد؛ انسان را از میان تهی می کند، مراکز فحشایی که سرتاسر مملکت بود، مراکز فساد که سرتاسر مملکت بود، خوب، این هم جوانها را مشغول می کرد به یک امور شهوانی که بکلی افکار را از دستشان می گرفت. این یک برنامه بود ... این برنامه روی یک حساب [بود] نه اینکه همین طوری می شد. یک حساب، حساب دقیق این کارها انجام می گرفت. (صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۳۹۵ - ۳۹۶)

## ترویج از خودباختگی

رهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده اند که فرهنگ ما را استعماری کنند. کوشش کردند که نگذارند انسان پیدا بشود. آنها از انسان می ترسند، از آدم می ترسند. آنها کوشش کردند در این سالهای طولانی، و خصوصاً در این پنجاه و چند سال، که رجال در ایران پیدا نشود. تحصیلات را به طوری قرار دادند که رشد تحصیلی و انسانی پیدا نشود. ما را همچو ترساندند، همچو با تبلیغات خودشان ماها را ترساندند که از خودمان می ترسیدیم، به خودمان اعتماد نداشتیم. اگر یک کسی مریض می شد می گفتیم باید برود به خارج، در صورتی که طبیب داشتیم. همچو با ما رفتار کردند و ما را لرزاندند و ما را تهی کردند که اگر می خواستیم یک راهی را اسفالت کنیم می گفتیم باید از خارج بیاید با آنکه داشتیم باید ارتش ما را خارجها اداره کنند، باید نفت ما را خارجها بیایند اداره کنند با آنکه ما داشتیم همه چیز؛ این برای این بود که ما را از اینکه بودیم تهی کردند؛ مغزهای ما را شستشو کردند. اعتماد به نفس را از بین بردند. (صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۵۷)



## جدا کردن روحانیت از ملت

مقصد این بود، که اسلام را ببرند. و راه اینکه اسلام را از بین ببرند این بود که روحانیت را از بین ببرند. اینها می دانستند که تا روحانیون هستند، اینها حفظ می کنند اسلام را. نقشه بردن اسلام؛ و راهش بردن روحانیت و جدا کردن ملت از روحانیون. و لهذا با تبلیغات دامنه داری مشغول شدند - و حالا هم مشغول اند - که روحانیون را از ملت جدا کنند. وقتی ملت از روحانیین جدا بشود و اینها پشتوانه نداشته باشند برای تبلیغات خودشان، آنها به مقاصد خودشان می رسند. خود ملت به تنهایی نمی تواند کاری بکند. تا اتکال به اسلام نداشته باشد، نمی تواند کاری انجام بدهد. اتکال به اسلام وقتی می شود که کسانی که به اسلام دعوت می کنند، تمام مقصدشان دعوت به اسلام است، آنها در کار باشند تا مردم را دعوت کنند و بسیج کنند. سابق، اینها به طور علمی همچو مطلبی را ادراک کرده بودند که اسلام وضعیت جوری است که اگر قوه پیدا بکند نمی گذارد ما به منافعمان برسیم؛ و روحانیون هم آنها هستند که اسلام را حفظش می کنند، نگه می دارند... این نهضت مطلب را عینی کرد؛ یعنی دیدند این را که یک ملتی با راهنمایی علمای بلاد، و ایمانی که در خودشان بود یک همچو امپراتوری غلط شیطانی بزرگ را از بین بردند، در صورتی که همه قدرتها دنبال او بودند. (صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۱۳۵-۱۳۶)

# عوامل پیروزی انقلاب اسلامی

## اتکال به خدا

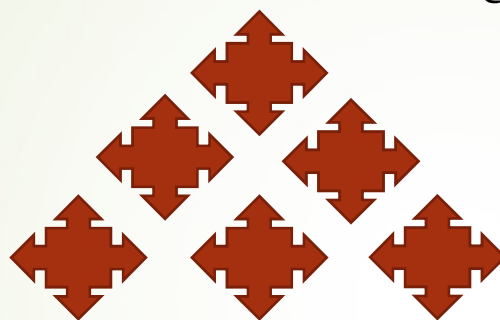
ما به قدرت طبیعی بر این مشاغل و بر این مصیبت‌هایی که وارد شده است فائق نیامده ایم؛ برای اینکه قدرت ما به حسب طبیعت یک قدرت بسیار ناچیزی بود در مقابل قدرتهای بسیار بزرگ مثل قدرت امریکا و قدرت شاه سابق، با آن ابزاری که اینها در دست داشتند. ما به اینها که غلبه کردیم، ملت ما که در این نهضت پیروز شد، این فقط برای اتکال به خدا بود. در ملت ما یک تحولی حاصل شد که آن تحول سابقه نداشت؛ آن تحول اینطور بود که شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند. جوانهای ما الآن هم پیش من می آیند، بعضی از آنها، و می گویند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم! این رمز پیروزی بود که همان طوری که در صدر اسلام مسلمین با این رمز پیش بردند، ملت ما هم با این رمز پیش برد؛ و با این رمز است که ملتها می توانند پیش ببرند. (صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۵۰۲).

## امدادهای غیبی

ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنیهای بیحساب قلمداران و زبان مزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی به صورت ملیت، و آنهمه شعرها و بذله گوییها، و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه، که به دست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل می شد، و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غریزه یا شرقزده صدرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام «ملیت» و «ملی گرایی»، گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاریهای حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است. (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۰۱-۴۰۲).

## ایمان و وحدت

روی موازین مادی، روی موازین عادی باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم. باید همه ما یک لقمه آنها باشیم! لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به ولی عصر - سلام الله علیه - شما را پیروز کرد. برادران من! از یاد نبرید این رمز پیروزی را. این وحدت کلمه ای که در تمام اقشار ایران پیدا شد معجزه بود. کسی نمی تواند این را ایجاد کند؛ این معجزه بود. این امر الهی بود. این وحی الهی بود نه کار بشر. رمز پیروزی شما اول ایمان ثابت؛ و بعد وحدت کلمه. این دو مطلب را حفظ کنید. (صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۳۱۰).



## فرسنگ و جامه

ریشه جنگها، عدم تزکیه است

همه این گرفتاریهایی که برای بشر است از این نقطه به پا می شود. همه گرفتاریها از انانیت انسان است. تمام جنگهای عالم از این انانیت انسان پیدا می شود. مؤمنها با هم جنگ ندارند؛ اگر جنگی باشد بین دو نفر، باید بدانند که مؤمن نیستند. مؤمنها با هم جنگ ندارند. وقتی که ایمان نباشد و توجه، همه اش به خودش باشد، هر چیز را برای خودش بخواد، هیاهو از اینجا به پا می شود: من برای خودم این مسند را می خواهم، شما هم برای خودتان می خواهید؛ جمع [امکان] ندارد، تعارض می شود. ... من برای خودم این ریاست توهمی را می خواهم، شما هم برای خودت می خواهی. وقتی من برای خودم و شما هم برای خودتان، جمع هم امکان ندارد دعوا می شود. آن [یکی] این مملکت را برای خودش می خواهد، دیگری هم برای خودش می خواهد، جنگ می شود. این جنگها همه بین انانیتهاست، جنگهای عالم همه اش جنگهای انانیت است. انسان با انانیتش جنگ می کند و جنگها بین انانیتهاست. این انانیت در اولیا نیست؛ جنگ هم در اولیا نیست؛ اگر همه اولیا در یک جایی جمع بشوند، هیچ وقت با هم جنگ [نمی کنند]، اصلاً با هم مخالفت پیدا نمی کنند، برای اینکه همه برای خداست، دیگر خودی نیست تا اینکه این بکشد آن طرف، آن بکشد آن طرف؛ تزاخم بشود، دعوا بشود. همه برای یک مبدء است؛ برای یک جهت است. (تفسیر سوره حمد؛ ص ۱۲۰ - ۱۲۱).

## جهاد اکبر مقدم بر همه جهادها

اساساً اسلام برای سازندگی آمده است. و نظر اسلام به ساختن انسان است. جهاد برای سازندگی. سازندگی انسان خودش را، مقدم بر همه جهادهاست. این است که رسول اکرم «جهاد اکبر» فرموده اند. جهادی بس بزرگ است و مشکل. و همه فضیلتها دنبال آن جهاد است. جهاد اکبر است؛ جهادی است که با نفس طاغوتی خودش انسان انجام می دهد. شما جوانها از حالا باید شروع کنید به این جهاد. نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود. هرچه قوای جوانی از دست برود ریشه های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می شود و مشکلتر، جهاد مشکلتر. جوان زود می تواند در این جهاد پیروز بشود؛ پیر به این زودیا نمی تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان از زمان جوانی به زمان پیری بیفتد. یکی از کیدهایی که نفس انسانی به انسان می کند و شیطان به انسان پیشنهاد می کند این است که بگذار برای آخر عمر، خودت را اصلاح کن. حالا از جوانی استفاده کن و بعد آخر عمر توبه کن. این یک طرح شیطنت آمیز است که نفس انسان می کند به تعلیم شیطان بزرگ. انسان تا قوای جوانی اش هست و تا روح لطیف جوانی هست و تا ریشه های فساد در او کم است، می تواند اصلاح کند خودش را. لکن اگر چنانچه ریشه های فساد در انسان ریشه اش قوی شد، ملکه انسان شد فسادها، آن وقت است که امکان ندارد. شما جوانها که الان مهیا هستید برای جهاد در راه ساختن، این یک جهاد است لکن «جهاد اکبر» جهاد در راه سازندگی خودتان است که برای مملکت خودتان واقع بشوید، خدمتگزار باشید. از همین سنین شما باید شروع بشود به ساختن افرادی که بعدها یک مملکت، یک کشور را ممکن است نجات بدهد. اگر چنانچه شما ساختید خودتان را و فضایل انسانی را در خودتان ریشه دار کردید، آن وقت در همه مراحل پیروز هستید؛ مملکتتان را می توانید نجات بدهید. اینها که مملکت ما را به تباهی کشیدند برای این بود که ساختمان خودشان فاسد بود؛ خودشان یک اخلاق فاسد داشتند، یک عقاید فاسد داشتند، یک اعمال فاسد. اگر چنانچه خودشان را ساخته بودند، به ملت خیانت نمی کردند، به اسلام خیانت نمی کردند. (صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۳۰۱-۳۰۰).

## جهاد با نفس

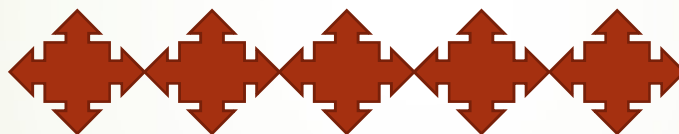
...یکی از ذمایم اخلاق، که اسباب هلاکت انسان است و موجب فشار قبر است و انسان را در دو دنیا معذب دارد، بدخلفی با اهل خانه یا همسایگان یا هم شغلها یا اهل بازار و محله است، که این زاییده غضب و شهوت است. اگر انسان مجاهد مدتی درصدد برآید که هر وقت ناملایمی پیشامد می کند از برای او و آتش غضب شعله ور می شود و بنای سوزاندن باطن را می گذارد و دعوت می کند او را بر ناسزا گفتن و بدگویی کردن، برخلاف نفس اقدام کرده عاقبت بد و نتیجه زشت این خلق را یاد بیاورد در عوض ملایمت به خرج بدهد و در باطن شیطان را لعن کند و به خدا از او پناه ببرد، من به شما قول می دهم که اگر چنین رفتاری کنید، بعد از چند مرتبه تکرار آن خلق بکلی عوض شده و خلق نیکو در باطن مملکت شما منزل می کند؛ ولی اگر مطابق میل نفس رفتار کنید، اولاً در همین عالم ممکن است شما را نیست و نابود کند. پناه می برم به خدای تعالی از غضب که می شود در یک آن انسان را در دو دنیا هلاک کند؛ خدای نخواستہ موجب قتل نفسی بشود. (...شرح چهل حدیث، ص ۲۵).

## اصل دلسوزی و محبت به متری

پیغمبر اسلام برای اینکه مردم تربیت نمی شدند غصه می خورد به طوری که خدای تبارک و تعالی او را تسلیت می داد؛ در مشقت بود، خدای تبارک و تعالی به او خطاب می کند که ما قرآن را نفرستادیم که تو در مشقت باشی. و برای ملتها از پدر برای اولادش، ... بر ملت‌های عالم او بیشتر غصه می خورد و کافر‌ها را وقتی که می دید که اینها به مجرای طبیعی انسانی نمی آمدند، برای آنها متأسف بود و هر انسانی باید اینطور باشد که متأسف باشد برای آنهایی که نمی آیند به خط اسلام و خط انسانیت. بعضی از علمای بزرگ، از قراری که شنیدم فرموده اند که من برای اشخاص منحرف بیشتر دعا می کنم؛ برای اینکه، آنها بیشتر احتیاج به دعا دارند. (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۴۹۲-۴۹۳).

## اسلام با پوچی و از خود بیگانه شدن انسان مخالف است

هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن می کشاند، مبارزه می کند. شرابخواری و میگساری در اسلام ممنوع است. فیلم‌های منحرف کننده از اخلاق متعالی انسانی، ممنوع است. (صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۴۱۴).

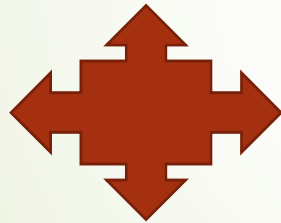
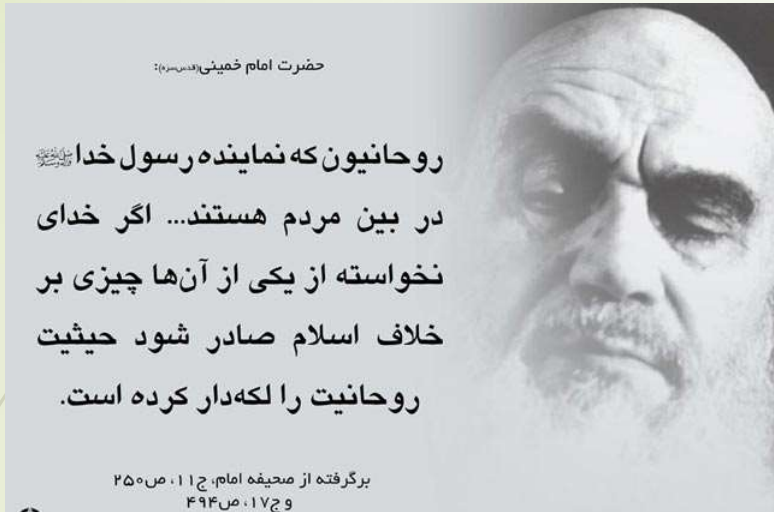


## اهمیت طبقه تحصیل کرده

همه می دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام، بعد از توده های مردم در دست طبقه تحصیل کرده است، و هدف بزرگ استعمار نو به دست گرفتن مراکز این قشر است. کشور ما در دهه های اخیر هر چه صدمه دیده و رنج کشیده است از دست خائنین این قشر بوده است. وابستگی به شرق و غرب توسط غربزدگان و شرق زدگان و به اصطلاح روشنفکران که از دانشگاهها برخاسته اند ولی چارچوب فکریشان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است، به فرهنگ، دین و کشورمان صدمه های بیشمار زده اند؛ چرا که این افراد برای تکمیل وابستگی به شرق و غرب و اخیراً آمریکا هر کاری که توانسته اند به نفع آنان انجام دهند دادند. چون درس خوانده بودند با کوله بار غربزدگی و شرق زدگی چون دزدانی که با چراغ آیند، برای اربابان و کعبه های آمالشان گزیده تر کالاها را انتخاب کردند. (صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۳).

## لزوم حفظ زی طلبگی و ساده زیستی

در قدیم اگر یک روحانی راجع به امور سیاسی مردم صحبت می کرد می گفتند رهایش کنید او سیاسی است، که این نوع فکر بلاشکال از شیاطین داخل و خارج بوده است. آنها به ما باورانده بودند که روحانی باید عبادت را سر بکشد و فقط برود مسجد نماز معمولی اش را بخواند. روحانی حق دخالت در هیچ امری را نداشت. ولی واقعیت این است که ما تابع حضرت رسول و ائمه - علیهم السلام - هستیم که همه امور دست آنها بود، حکومت تشکیل دادند و مردم را هدایت نمودند. بحمد الله امروز وارد مسائل سیاسی شدن دیگر عیبی ندارد، ولی باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگیشان از سطح معمولی مردم پایینتر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگیتان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید؛ برای اینکه مردم می گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می کردند، امروز که دارند و دستشان می رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم. (صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۴۵۲-۴۵۳).



## رسانه ها باید در مسیر ملت باشند

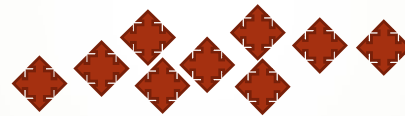
به طور کلی، در هر کشوری، مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیوی آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشد. مطبوعات باید ببینند که ملت چه می خواهد، مسیر ملت چیست، روشنگری در آن طریق داشته باشند و مردم را هدایت کنند. اگر مطبوعاتی پیدا شد که مسیر آنها برخلاف مسیر ملت است، راهی که آنها می روند غیر از راهی است که ملت می رود، این بر فرض اینکه ... دولت هم اجازه بدهد که بنویسند و بگویند لکن مورد تأیید این ملت نمی تواند باشد؛ و نباید آن را حساب کرد که یک رسانه ملی است و یک روزنامه کشوری و ملی است. و اگر خدای نخواستہ در نوشتن و نوشتن، نوشتن مقالات انحرافی و نوشتن مقالاتی که در مسیر ملت است این نحو عمل بکنند، این به نظر می آید که توطئه در کار باشد؛ این غیر از آزادی مطبوعات است. (صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۵۳۵).



# سیاست

## فرهنگ و استقلال

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی بوج و یوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می کند و بالاخره در آن مستهلک می شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می گیرد، و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است. بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است. (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۲۴۳)



## نفوذ غرب مانع استقلال

تا غرب راه به اینجا دارد، شما به استقلال خودتان نمی رسید. و تا این غریزدهایی که در همه جا موجودند از این مملکت نروند یا اصلاح نشوند، شما به استقلال نخواهید رسید. اینها نمی گذارند، ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سر پای خودمان بایستیم و بفهمیم ما هم موجودی هستیم. (صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۳۹۱).

## یا رفاه و مصرف گرایی یا تحمل سختی و استقلال

من دست و بازوی همه کسانی که بی ادعا و مخلصانه درصدد استقلال و خودکفایی کشورند را می بوسم. باز سفارش می کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند: یا رفاه و مصرف گرایی و یا تحمل سختی و استقلال. و این مسئله ممکن است چند سالی طول بکشد، ولی مردم ما یقیناً دومین راه را، که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد. (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۳۳)

## استقلال فکری

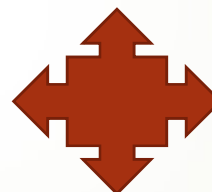
ما باید سالهای طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم. و باید از همان بچه ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسانی اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی تواند به ما ضربه بزند. اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم، آنها چگونه می توانند به ما ضربه بزنند. تنها آنها می توانند از داخل خود ما، به ما ضربه بزنند؛ در داخل، فردی را درست کنند - کما اینکه می بینید درست کرده اند - و بعد توسط آن هر چه می خواهند انجام می دهند. (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۳۰۹ - ۳۱۰)

# اقتصاد

## مهمترین عامل خودکفایی

مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. ان شاء الله این استعدادها در پیچ و خم کوچه های ادارات خسته و ناتوان نشوند. (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۱۵۸)

باید خودمان را پیدا کنیم  
خلاصه مطلب، ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم باید این «خود» گم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که «اگر دست خارج کوتاه شود، می میریم» را با تمام قدرت از بین ببریم. (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۳۱۰).

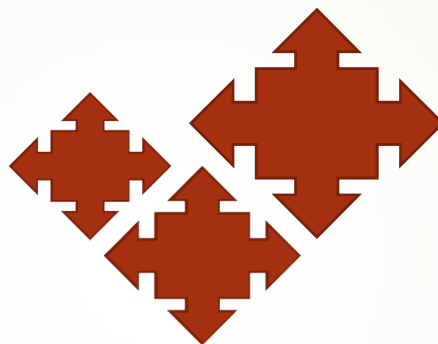


## حاضر نیستیم مبادلات اقتصادی اهرمی برای نفوذ سیاسی باشد.

[آیا شما ترتیبات یا قراردادهای بازرگانی، تجارتي و داد و ستد فعلی را با غرب ادامه خواهید داد؟ سیاست تجارتي شما چیست؟] ما همان طور که از تولیدات داخلی کشور به هر دولتی که مشتری آن باشد می فروشیم و صادر می کنیم، همان طور هم هر چه را که در داخل به آن نیاز داشته باشیم از خارج می خریم. ولی در همه این تجارتهای بر مبنای دو طرف مساوی عمل خواهیم کرد و حاضر نیستیم که دولتی بخواهد مبادلات اقتصادی را اهرمی برای نفوذ سیاسی و تحمیل اغراض استعمارگرانه خود قرار دهد. (صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۳۸۴)

### محرومان ولی نعمت ما هستند.

و به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید. (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۱۲)



### مقصد ما نجات مظلومین از دست ستمکاران است.

خدایا تو می دانی ما برای به دست آوردن منصب و حکومت قیام نکرده ایم؛ بلکه مقصود ما نجات مظلومین از دست ستمکاران است. آنچه مرا وادار کرد که فرماندهی و حکومت بر مردم را قبول کنم، این بود که «خدای تبارک و تعالی از علما تعهد گرفته و آنان را موظف کرده که بر پرخوری و بهره مندی ظالمانه ستمگران و گرسنگی جانکاه ستمدیدگان سکوت نمایند یا می فرماید:

اللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ.

خدایا، تو خوب می دانی که آنچه از ما سر زده و انجام شده، رقابت برای به دست گرفتن قدرت سیاسی، یا جستجوی چیزی از اموال ناچیز دنیا نبوده است. (ولایت فقیه، ص ۵۶-۵۵)



پایان

